



عبدالاحمد فیض

تلاش اسلام آباد در مشروعیت بخشیدن جنگ افغانستان

درین روزها حملات مخالفان مسلح در سراسر افغانستان وبخصوص در ولایات شمالی افغانستان ابعاد مضاعف کسب نموده است و سعی دارند که با سقوط حاکمیت دولتی در محلات به گسترش سلطه ظالمانه خویش افزوده و به حمایت و دستور محافل و حلقات معین بیرونی مدعی گردند که بخش قابل توجه از اراضی کشور را در اختیار دارند و به اشاره تمویل کنندگان جنگ ادعای حاکمیت و مشروعیت نمایند. مسلم است که تلاشهای مخالفان مسلح در راستای گسترش حوزه نفوذ آنها در چنان برهه حساس سیاسی و امنیتی کشور صورت میگیرد که گفته میشود فشارهای بیرونی بویژه واشنگتن بر اسلام آباد نسبت به گذشته بیشتر گردیده و پاکستان بمثابه کشور حامی تروریسم با شدت فزاینده ای تحت فشار افکار عمومی در منطقه و جهان قرار دارد.

جنگ ویرانگر نیابتی کنونی در افغانستان که اداره جاسوسی نظامی پاکستان سازمانده، طراح و تمویل کننده آن است و در وجود مخوف ترین و بیرحمترین تشکیلات تروریستی چند ملیتی در کشور ما دنبال میگردد، پیشینه تاریخی چندین دهه دارد که هدف محوری و استراتژیک اسلام آباد فروپاشی مجدد افغانستان، ایجاد یک دولت مزدور و کنترل از سیاست خارجی افغانستان است و اداره جاسوسی پاکستان بمثابه مجری دخالت سیستماتیک، تجاوز و جنگ حتا در صورت گذشتن افغانستان از ادعای حقوقی مرزی بسود اسلام آباد از ادامه دخالت و استمرار بحران درین کشور دست نخواهند برداشت زیرا بقول کرستین فیبر پژوهشگر و محقق بلند آوازه غرب و نویسنده اثری ((نبرد تا آخرین نفس)) پاکستان پیش از اینکه یک کشور باشد یک تفکر توسعه طلب است، کشوری که ارتش آن منازعه و نبرد با کشور هند را ابدی دانسته و خود را مدافع یک کشور و جغرافیای معین نمیداند بلکه رسالت دیگری نیز برای ارتش تراشیده است و آن دفاع از مرزهای ایدئولوژیک پاکستان است مرزیکه یک جغرافیای وسیع تا آسیای میانه را احتوا نموده و پاکستان در صدد است تا با تداوم راهبرد جنگ و تجاوز، افغانستان به عمق سیاست استراتژیک پاکستان مبدل گردد. نویسنده معتقد است از آنجائیکه دشمنی اسلام آباد و دهلی دشمنی هویتی و ایدئولوژیک است بنابراین پاکستان سعی خواهد کرد که افغانستان را درین مسیر جذب نماید.

با توجه به تئوریهای فوق و تجاروب تاریخی روابط پرتنش حاکم میان کابل و اسلام آباد بوضوح میتوان اذعان داشت که اهداف نظامیان پاکستانی بمراتب فراتر از آن است که در کابل تصور آن میرود لذا به باور این قلم اسلام آباد کماکان به جنگ و خونریزی در کشور ما ادامه داده و از حمایت مزدوران و جنایتکاران درین جنگ نیابتی تحت هیچ شرایطی دست نخواهند برداشت، بنابراین تشدید مداخلات پاکستان درین فصل جدیدی از قتل و کشتار مردم ما بوضوح بازتاب این حقیقت است که اداره جاسوسی (ای-اس-ای) بیشرمانه تلاش دارد که فشار جهانی مبنی بر حضور دستجات متعدد تروریستی در قلمرو آن کشور را نه با قطع حمایت از مزدوران جنگی بلکه با گسترش ابعاد جنگ و توسعه حملات

سربازان اجیرش بعزم گسترش حوزه نفوذ آنها در داخل پاسخ دهد و با گسترش ساحه نفوذ مخالفان مسلح و سقوط حاکمیت دولتی در محلات ، سیاست هدفمند جدیدی را با توجه به وضعیت پیش آمده احتمالی عملی نماید لذا اداره جاسوسی پاکستان درین برهه معین از بحران به استقرار هسته های اصلی مزدوران جنگی در داخل پرداخته و تلاش خواهند نمود تا از فشار جهانی و منطقوی خود را بیرون کشیده و مدعی گردند که گویا مخالفان مسلح کابل بیشترین قلمرو آن کشور را در کنترل خود داشته و با استناد واهی به اصل حق دولتها در حمایت از جنبش های ملی و انانیکه بخاطر رهای از اشغال میجگند ، به جنگ اعلام ناشده و تحمیلی کنونی با استفاده از تجاروب جنگ داخلی دهه هشتاد در افغانستان مشروعیت دهد . اما آیا رزمندگان مسلح اجیر که بدستور و حمایت های همه جانبه مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی تی بیگانه به هدف تحقق اهداف دشمن بیرونی در کشور ما دست به انواع جنایات ضد بشری و تروریستی میزنند مبارزان ملی هستند و یا گروه های اجیر تروریستی ؟

بمنظور دریافت پاسخ به این موضوع وجوه تشابه و افتراق میان وضعیت حقوقی و سیاسی مبارزان ملی و رزمندگان مسلح تروریستی غیر مشروع را در چهارچوب قواعد بین المللی تبیین می بخشیم:

مسلم است که مبارزه ملی بخاطر رهای از اشغال و تجاوز از درخشانترین فصول تاریخ بشری است و این حق بمثابه یک اصل حقوق بین المللی ، در فقره دوم ماده اول منشور سازمان ملل متحد تصریح و مبارزه بخاطر استقلال سیاسی و رهای ملی از اشغال و تجاوز مشروعیت کسب نموده است ، هکذا قطعنامه های شماره (۲۹۱۸) سال (۱۹۷۲) و قطعنامه (۳۱۳۴) مورخ (۱۹۷۸) مجمع عمومی ملل متحد به صراحت مجوز استعمال زور را برضد تجاوز و اشغال به رزمندگان ملی اعطاء نموده است ، بنابراین با توجه به اصول فوق ، گروه های چند ملیتی تروریستی و جنگجویان اجیر تحت حمایت اسلام آباد که آن کشور با تشدید جنگ سعی در راستای توسعه حوزه نفوذ و در نهایت مشروعیت آنها دارند در فقدان وضعیت و ویژه گیهای سیاسی و حقوقی قرارداد دارند که رزمندگان مسلح مشروع از ان برخوردار است که این ویژه گیها و تفاوتها قرار آتی است:

الف- مزدوران مسلح در جنگ کنونی از منابع مجهول ، حمایت های مالی ، تسلیحاتی، لوژستیک و اطلاعاتی کسب نموده دولت یا دولتهای حامی آنها با هویت مخفی ازین دسته جات مسلح آدمکش بمثابه ابراز سیاست خارجی خویش استفاده می نمایند در حالیکه رزمندگان ملی چه در عصر استعمار ، اپرتاید و نژاد پرستی و نیز در دوران کنونی بوضوح در پناه حقوق بین المللی قرار دارند.

ب- جنگجویان حاضر در صحنه نبرد در کشور پیوسته بخاطر دستیابی به مقاصد ضد بشری و ظالمانه شان از مردمان ملکی و غیر نظامی و بخصوص کودکان و مادران میهن حین رویاروی با نیروهای دفاعی کشور بمثابه سپر انسانی استفاده نموده و اهالی ملکی از اهداف دست اول آنها بمنظور ایجاد فضای رعب و وحشت محسوب میگردد در حالیکه حمایت مردمی عنصر اصلی در مبارزات میهن پرستانه پنداشته میشود.

ج- حمایت مردمی از ویژه گیهای بنیادین و ممیزات حقوقی و سیاسی مبارزان راه آزادی ملی در برابر تجاوز و اشغال است در حالیکه تفنگداران اجیر در جنگ نیابتی کنونی با سیمای اجحاف آورده شت آفرین بدون ابهامی در فقدان حمایت مردمی بسر میبرند.

د- گروگانگیری در مسیر جاده ها و در روستا های کشور ، به اسارت کشیدن مردم بیدفاع ، شکنجه ، تعذیب، توهین و تجاوز به عزت و شرف مردم بی گناه غیر نظامی از روشهای معمول جنگجویان اجیر در کشور است که از ویژه گی های گروه های تروریستی است در حالیکه راه رزمندگان مشروع از چنین فیگورهای مخوف جدا است.

ح- ایجاد فضای ترس و وحشت با انجام حملات انتحاری و حملات دیگری ازین نوع در مکانهای ملکی که قربانیان آن جز غیر نظامیان نیست و در نتیجه آن فقط مردم بیدفاع کشته میشوند علی الرغم توصیف آن به جنایت جنگی ، بیگانگی دشمن مسلح را از مردم بمثابه اعمال خارجی برجسته ساخته است.

فلهذا با در نظر داشت مفاد فوق ، کرکتر و ماهیت سیاسی و حقوقی جنگ تحمیلی کنونی در افغانستان که توسط سربازان اجیر و مزدوران بیگانه در ضدیت با همه اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی در راستای تحقق اهداف رهبردی دراز مدت دشمن خارجی به پیش برده میشود، یک جنگ تمام عیار تروریستی تجاوز کرانه بوده و مکثوم داشتن چهره واقعی دشمن تحت پوشش مبارزه بخاطر دفاع از ارزشهای دینی، ملی و مفاخر تاریخ ویا حتا توسعه حضور و نفوذ دشمن در بیشترین ساحات جغرافیای کشور از عدم مشروعیت جنگ نیابتی در کشور نخواهند کاست.